



Components of the Geopolitical Regional Order of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus Sub-Network

Mehraneh Sadati

PhD Candidate in Reflections of the Islamic Revolution in the Islamic World, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

Zahed Ghaffari Hashjin

Professor of Political Science, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: Z_ghafari@yahoo.com

Farhad Ghasemi

Professor of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

As an emerging regional power, Iran seeks to shape its desired regional order within the international system and, based on specific dynamics, engages in activities within its regional network. One of the areas constituting Iran's strategic environment is the Caucasus region, which can be considered a sub-network in itself. Within the Caucasus sub-network, the Islamic Republic of Iran has, based on the discourse of the Islamic Revolution, transformed the fundamental principles of state-centered geopolitical regional orders and contributed to the activation of network power dynamics in three dimensions: cultural, economic, and political. Accordingly, this study seeks to answer the question: What are the components of Iran's geopolitical regional order in the Caucasus sub-network? Employing a qualitative documentary analysis method, the authors examine the components of Iran's regional order in the Caucasus sub-network within the context of the networking of the international system. The findings indicate that the most important components of Iran's geopolitical order in the Caucasus sub-network include military, human, economic, and environmental geopolitics. In fact, the network-based perspective considers the components of Iran's regional order as an integrated whole and contributes to shaping Iran's centrality in the Caucasus. In this regard, Iran, as a central node, can establish a panarchical and heterarchical order within this sub-network through the model of network-based adaptive regionalism.

Keywords: Geopolitical Order, Military Geopolitics, Human Geopolitics, Economic Geopolitics, Environmental Geopolitics





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی

سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۵۹)، تابستان ۱۴۰۴، صص. ۲۸۰-۳۳۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

مقاله پژوهشی

مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز

مهرانه ساداتی

دانشجوی دکتری بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

زاهد غفاری هشبجین

استاد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Z_ghafari@yahoo.com

فرهاد قاسمی

استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال رشد، در راستای ترسیم نظم منطقه‌ای مطلوب خود در نظام بین‌الملل، مبتنی بر پویش‌هایی اقدام به فعالیت در حوزه شبکه منطقه‌ای خود می‌کند. یکی از مناطقی که حلقه‌های محیط استراتژیک ایران را تشکیل می‌دهد، حوزه قفقاز است که می‌توان این حوزه را به‌تنهایی، یک خرده شبکه در نظر گرفت. در خرده شبکه قفقاز، جمهوری اسلامی ایران، توانست مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی، اصول بنیادین نظم‌های منطقه‌ای ژئوپلیتیکی دولت‌محور را دگرگون ساخته و سبب فعال شدن دینامیک قدرت شبکه‌ای در سه بُعد فرهنگ، اقتصاد و سیاست شود. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای ژئوپلیتیکی ایران در خرده شبکه قفقاز چیست؟ نگارندگان با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل اسنادی درصدد بررسی مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای ایران در خرده شبکه قفقاز در وضعیت شبکه‌ای شدن سامانه بین‌الملل هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی ایران در خرده شبکه قفقاز عبارت‌اند از: ژئوپلیتیک نظامی، انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی است. درواقع، دیدگاه شبکه‌ای مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای ایران را به‌صورت یک کل در نظر گرفته و به کانونیت ایران در قفقاز شکل می‌دهد. در این راستا، ایران به‌عنوان یک کانون می‌تواند ذیل الگوی منطقه‌گرایی شبکه‌ای-انطباقی در این خرده شبکه، نظم پانارشی و هیتراشی ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: نظم ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک نظامی، ژئوپلیتیک انسانی، ژئوپلیتیک اقتصادی، ژئوپلیتیک زیست‌محیطی

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ پژوهشگاه مطالعات راهبردی و امنیت ملی / فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی



<https://smsnds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8413



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

با توجه به تحول در سامانه بین‌الملل و اهمیت یافتن منطقه‌گرایی به دلیل کارکرد تأثیرگذاری عواملی مانند ارتباطات، تکنولوژی و اقتصاد، نظریات روابط بین‌الملل نتوانست کارایی خود را در قبال سامانه نوین بین‌المللی نشان دهد. منطقه‌ای شدن نظام جهانی، نظم منطقه‌ای را به‌عنوان بخش اصلی نظم جهانی مطرح کرده است؛ بنابراین در این وضعیت پیچیده، قدرت‌ها بالأخص قدرت‌های در حال رشد و کوچک در جست‌وجوی راه‌حل نوینی جهت برقراری نظم منطقه‌ای مطلوب خود در قالب سامانه نوین هستند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال رشد، درصدد نقش‌آفرینی فعال در خوشه‌های شبکه منطقه‌ای خود و در نهایت ترسیم نظم منطقه‌ای مطلوب خود در نظام بین‌الملل است. ازجمله مناطقی که در دایره شبکه منطقه‌ای ایران قرار دارد، «منطقه قفقاز»^۱ است. پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های قفقاز و با توجه به موقعیت هم‌جواری ایران با این منطقه، ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر یک الگوی دقیق در راستای نقش‌آفرینی و ایجاد نظم منطقه‌ای مطلوب خود در این منطقه اقدام کند. در این راستا، مسائل مختلفی در منطقه قفقاز وجود دارد که عبارت‌اند از: بحران امنیتی ملی ارمنستان که ریشه در بحران قره‌باغ و اختلافات ارضی-مرزی آذربایجان و ارمنستان دارد، اختلافات مربوط به ایجاد دالان تورانی در مرز ایران و ارمنستان، مشکل گرجستان در مورد جدایی‌طلبان آبخازیا و اوستیای جنوبی و غیره است.

با عنایت به مطالب مذکور نکته حائز اهمیت این است که انقلاب اسلامی در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران توانست اصول بنیادین نظم‌های منطقه‌ای ژئوپلیتیکی دولت‌محور را دگرگون سازد. انقلاب اسلامی با تمرکز و تأکید بر نظم نوین، در سیستم‌های منطقه‌ای، سبب فعال شدن دینامیک قدرت شبکه‌ای در سه بُعد فرهنگ، اقتصاد و سیاست شده است. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران برآمده از انقلاب اسلامی دارای ارزش‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک است و انقلاب و دستاوردهای ناشی از آن می‌تواند

۱. در این پژوهش، به صورت ویژه، به بررسی قفقاز جنوبی پرداخته می‌شود.



عاملی در شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای شبکه‌ای باشد.

با توجه به این‌که دولت‌ها در مناسبات و تعاملات بین‌المللی خود، باید شناخت دقیقی از محیط استراتژیک خود داشته باشند، پیش‌نیاز چنین شناختی برای ایران، به‌کار بستن نظریه‌ای کارآمد چون نظریه نظم شبکه‌ای است تا پاسخ‌گوی چنین دغدغه‌ای باشد.

مبتنی بر نظریه نظم شبکه‌ای، شبکه منطقه‌ای غرب آسیا شامل حلقه‌ها یا مناطق مختلفی از قبیل خرده شبکه قفقاز است و مناطق مختلف این شبکه را می‌توان جزئی از شبکه منطقه‌ای ایران دانست. به‌علاوه، خرده شبکه قفقاز به‌عنوان خوشه‌ای در شبکه منطقه‌ای روسیه، ایران و ترکیه بوده است که از این حیث از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. درواقع، عدم ترسیم نظم منطقه‌ای ایران در این خرده شبکه، می‌تواند تأثیرات جدی در حوزه‌های مختلف بگذارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: شدت یافتن معضلات امنیتی مانند نفوذ کشورهای رقیب نظیر رژیم صهیونیستی و ترکیه در مرزهای شمالی، تروریسم، قاچاق، محدودیت در روابط تجاری و ترانزیتی ایران با قفقاز و کاهش نفوذ منطقه‌ای این کشور می‌شود. با توجه به نکات مذکور، پژوهش حاضر در چهارچوب نظریه نظم شبکه‌ای و لزوم گسترش شبکه منطقه‌ای و ارتباطی جمهوری اسلامی ایران، درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز چیست؟ نگارندگان در این پژوهش، از روش کیفی تحلیل اسنادی و استفاده از ابزارهایی نظیر فیش‌برداری از منابع مختلف شامل کتب، مقالات علمی و غیره استفاده کرده‌اند. پژوهش حاضر، درصدد بررسی و ترسیم مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای ایران در خرده شبکه قفقاز در وضعیت شبکه‌ای شدن سامانه بین‌الملل است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی ایران در خرده شبکه قفقاز عبارت‌اند از: ژئوپلیتیک نظامی، ژئوپلیتیک انسانی، ژئوپلیتیک اقتصادی و ژئوپلیتیک زیست‌محیطی است. درواقع، دیدگاه شبکه‌ای مؤلفه‌های مختلف نظم منطقه‌ای جمهوری اسلامی را به‌صورت یک کل در نظر گرفته و به «کانونیت»^۱ ایران در خرده شبکه قفقاز شکل می‌دهد. در این راستا، ایران به‌عنوان

1. Centrality

یک کانون می‌تواند ذیل الگوی منطقه‌گرایی شبکه‌ای-انطباقی در این خرده شبکه، نظم بانارشی و هیتراشی ایجاد کند.

۱. پیشینه پژوهش

در راستای پاسخ به سؤال پژوهش، در وهله اول لازم است به بررسی آثار مکتوب پردازیم. قاسمی (۱۴۰۱) در کتاب «نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای» معتقد است به دلیل این‌که مطالعات منطقه‌ای، از بعد نظریه‌پردازی دچار خلأ نظری بوده، سعی در کالبدشکافی نظری مطالعات منطقه‌ای داشته و هدف آن نشان دادن کاربست نظریه‌های روابط بین‌الملل در حوزه علمی مطالعات منطقه‌ای است، ضمن این‌که از مطالعات موردی نیز در غنی‌سازی مباحث نظری استفاده کرده است. نویسنده در این کتاب غالباً متمرکز بر نظریات منطقه‌گرایی بوده و در راستای نظم منطقه‌ای ایران در منطقه قفقاز توضیح مبسوطی نداده است.

«هافنبارتن»^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله «تحلیل شبکه‌ای در روابط بین‌الملل» بیان می‌کنند تجزیه و تحلیل شبکه، ابزاری برای شناسایی و اندازه‌گیری خصوصیات ساختاری شبکه‌ها است و مجموعه‌ای از نظریات را ارائه می‌دهد که معمولاً برگرفته از متون خارج از روابط بین‌الملل بوده و ساختارها را به نتایج مرتبط می‌کند. آن‌ها معتقدند در مقابل مفهوم نئورالیستی ساختار که مبتنی بر توزیع توانایی‌های مادی در واحدهاست، ساختارها در رویکرد شبکه‌ای، برآیند ویژگی‌های ثابت الگوهای روابط میان عواملی هستند که آن عوامل را می‌تواند تعریف، فعال و محدود کند. درواقع، تجزیه و تحلیل شبکه با هدف شناسایی الگوهای روابط انجام می‌شود.

«گادژیو»^۲ (۲۰۱۰) در مقاله «هویت قومی-ملی و ژئوپلیتیکی قفقاز» در جست‌وجوی یافتن یک هویت مشترک قفقازی برای همه مردم منطقه قفقاز بوده و معتقد است قفقاز به‌عنوان فضایی فرامرزی که قرن‌هاست فرایندهای پیچیده اشاعه فرهنگ‌ها، آداب، سنت‌ها و ارزش‌های بسیاری از مردم جهان در آن جریان دارد. در دوره‌های مختلف تاریخی، به‌عنوان

1. Emilie M. Hafner-Burton

2. Kamaludin Serazhudinovich Gadzhiev



منطقه تماس برای چندین تمدن منطقه‌ای عمل می‌کرد. قفقاز با گسست سیاسی، موزائیسیم و بی‌ثباتی مشخص می‌شود. در اینجا، بسیاری از تضادها و منازعات قومی-ملی، سرزمینی و فرقه‌ای واقعی و بالقوه خود را به پیچیده‌ترین شکل نشان می‌دهند که مملو از پیامدهای منفی غیرقابل پیش‌بینی گسترده برای همه کشورها و مردم منطقه است. مشکلات بسیار حاد و حل ناپذیر اجتماعی-اقتصادی، ملی-سرزمینی، فرقه‌ای، ژئوپلیتیکی و ... در یک گره پیچیده بافته شده است. فعال شدن اسلام سیاسی و همچنین جنبش‌های رادیکال، ازجمله گروه‌های تروریستی، کمک بیشتری به بی‌ثباتی اوضاع در منطقه می‌کند. بااین‌حال، تقریباً همه اقوام در شرایط نفوذ متقابل مرزهای قومی و حتی فرهنگی مجبور به کنار هم بودن هستند؛ بنابراین، آن‌ها یک منطقه منحصربه‌فرد چندملیتی را تشکیل می‌دهند.

کوهی اصفهانی (۲۰۱۹) در کتاب «سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی» در پی ارائه درک جامعی از سیاست و رفتار خارجی ایران، ریشه‌های پیوستگی و عوامل تغییر در بافت منطقه‌ای ایران، با استفاده از مطالعات موردی روابط ایران با دو کشور مهم همسایه ارمنستان و آذربایجان است. نویسنده برای تبیین بازنگری سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب از نظریه سازه‌نگاری استفاده کرده و برای تفسیر رویکردهای مختلف سیاست خارجی و تحلیل عوامل شکل‌دهنده روابط دوجانبه از نظریه واقع‌گرایی تدافعی بهره گرفت. همچنین وی نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان را جهت تبیین پویایی‌های منطقه‌ای در قفقاز جنوبی و تغییرات سیستمی آن به‌کار بسته است. وی معتقد است منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان یک مجموعه فرعی در فضای پسا شوروی است که در آن نه‌تنها مسائل امنیتی، بلکه بخشی از تصمیمات سیاسی، راهبردها و اتحادها به هم مرتبط هستند. به‌علاوه مناقشات حل نشده در این منطقه، بر سیاست داخلی و راهبردهای خارجی تأثیر بسزایی می‌گذارد. از سوی دیگر، حضور بازیگران خارجی متعدد و رقابت آن‌ها برای کنترل ژئوپلیتیک این منطقه استراتژیک و وجود منابع هیدروکربنی فراوان سبب ایجاد پدیده‌ای شد که به اذعان تحلیلگران، «بازی بزرگ جدید» نام دارد. این درحالی است که وضعیت حقوقی حل نشده دریای خزر و در نتیجه منابع هیدروکربنی آن، صحنه ژئوپلیتیک منطقه را برای چندین دهه پیچیده‌تر کرده است. در

این بین، ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و در بین کشورهای منطقه، به‌واسطه دارا بودن مرز مشترک و میراث مشترک تاریخی، از پتانسیل بیشتری جهت برقراری روابط نزدیک‌تر و نفوذ در کشورهای آذربایجان و ارمنستان برخوردار است.

«فیدارووسکایا»^۱ (۲۰۲۲) در مقاله «ایران و وضعیت جدید ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی» که به زبان روسی نوشته شده است، توضیح می‌دهد که پس از جنگ دوم قره‌باغ، وضعیت ژئوپلیتیک جدیدی در قفقاز جنوبی ایجاد شده است. تقویت جدی مواضع آذربایجان و هم‌پیمانش ترکیه در منطقه، موجب نگرانی کشورهای همسایه خصوصاً ایران شده است. به‌علاوه، ایران نگران روابط نزدیک آذربایجان و اسرائیل به‌ویژه در حوزه نظامی است که باعث ایجاد تشدید در روابط بین همسایگان در پاییز سال ۲۰۲۱ شد. همچنین به اذعان نویسنده، ایران موضعی بی‌طرف در مناقشات قره‌باغ اتخاذ کرد و علی‌رغم این‌که در طول جنگ دوم قره‌باغ، گلوله‌ها به مرزهای ایران رسید، اما ایران توانست بی‌طرفی خود را حفظ کند. نویسنده معتقد است اگرچه این بحران با تلاش دیپلمات‌ها برطرف شد، اما نمی‌توان بی‌ثباتی روابط ایران و آذربایجان در آینده را رد کرد.

درمجموع، بررسی آثار تألیف شده بیانگر آن است که مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز مبتنی بر نظریات شبکه‌ای مورد مذاقه قرار نگرفته است؛ بنابراین مقاله حاضر، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. نظم

نظم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل، واقعیتی مسلم و پذیرفته شده است که از اهمیت زیادی برخوردار است. تحقق مفهوم نظم در چهارچوب مواردی عبارت‌اند از: چهارچوب کارکردی نظم (سامانه)، اهداف، الگوهای رفتاری و سامان‌دهی آن است. نظم شامل شرایطی است که سامانه در آن قابلیت رسیدن به اهداف خود را دارد

1. Fedorovskaya



(قاسمی، ۱۳۹۲، ۳۰). به ترتیبات اداره امور در تعاملات گروهی از دولت‌ها که شامل قواعد بنیادین، اصول و نهادها است، نظم گفته می‌شود. ذیل این تعریف، می‌توان گفت شکل‌گیری و دوام نظم‌ها در گرو شکل‌گیری و دوام نوعی توافق هنجاری بین دولت‌های عضو آن نظم نیست، بلکه می‌تواند مبتنی بر روابط حداقلی دولت‌ها، اجبار یا موازنه قدرت شکل گیرد (نقدی، ۱۴۰۳: ۲۷۸). به عبارتی، نظم منطقه‌ای را می‌توان نهادینگی قواعد رفتاری، الگوها و ساختارهایی دانست که می‌تواند رفتار بازیگران را در یک منطقه تحت تأثیر قرار دهد. درواقع، هر چه میزان این نهادینگی بیشتر باشد، نظم از مطلوبیت بیشتری برخوردار است (نقدی، ۱۴۰۰: ۲۹).

۲-۲. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک دربردارنده دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. دو درک متمایز از ژئوپلیتیک وجود دارد. نخست، ژئوپلیتیک به نظر بسیاری، راهنمای مناسبی از چشم‌انداز جهانی با استفاده از توصیفات جغرافیایی، استعاره‌ها و الگوهای مانند «جهان سوم»^۱ یا «دولت سرکش»^۲ است. هر یک از این اصطلاحات ذاتاً جغرافیایی بوده و به ایجاد یک مدل ساده از جهان کمک می‌کنند. دوم، گروهی معتقدند می‌توان بر نحوه عمل ژئوپلیتیک به‌عنوان یک عمل دانشگاهی متمرکز شد. فلذا، به‌جای توجه به اصطلاحاتی مانند جهان سوم، محور شرارت و غیره که دارای «ارزش اکتشافی»^۳ (ارزش حل مسئله) هستند، لازم است به بحث درباره چگونگی شکل‌گیری درک خاصی از مکان‌ها، جوامع و هویت‌های همراه پرداخته شود. مثلاً، جهان سوم اصطلاحی است که نه‌تنها برای توصیف جغرافیایی بسیاری از مکان‌ها در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین عمل می‌کند بلکه به مثلث‌بندی جغرافیای سیاسی جنگ سرد که شامل ایالات متحده و جهان اول و شوروی و جهان دوم است، کمک می‌کند (Dodds, 2007:4-5). میخائیلوف، نویسنده روسی، ژئوپلیتیک را در قالب روابط بین دولتی در

1. Third World

2. Rogue state

3. heuristic value

شکل سرزمینی آن‌ها در نظر می‌گیرد. در این تعریف، نه صرفاً دولت‌ها در ژئوپلیتیک تعامل دارند و نه صرفاً خود روابط سیاسی، بلکه سایر روابط نیز از اهمیت ژئوپلیتیکی برخوردارند (Elatskov, 2019: 216). درواقع، تعریف مورد نظر پژوهش حاضر از ژئوپلیتیک آن است که این علم به مطالعه و بررسی روابط متقابل جغرافیا، سیاست و قدرت است (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۸۵).

۲-۳. شبکه

در شبکه‌ها، مرزبندی‌های جغرافیایی جای خود را به مرزبندی‌های ارتباطی می‌دهند. شبکه‌های منطقه‌ای از منظر موضوعی، از ترکیب سه نوع خرده شبکه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر به وجود می‌آیند که هر یک دارای چرخه قدرت که به ترتیب چرخه قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت هویتی و فرهنگی خواهند بود. واحدها در همه این خرده شبکه‌ها به‌طور هم‌زمان عضویت داشته و متأثر از متغیرهای آن‌ها هستند. از سویی، واحدهای مختلف ممکن است شبکه‌هایی را تعریف کنند که متمایز از واحدهای دیگر و حتی هم‌جوار باشد. برای نمونه، حوزه قفقاز به‌عنوان یکی از خوشه‌های شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی است که با بازتعریف منطقه در چهارچوب شبکه منطقه‌ای، می‌توان آن را در قالب خرده شبکه تلقی کرد.

۳. مبانی نظری پژوهش

پنج مناظره در مطالعات روابط بین‌الملل شکل گرفته است که پنجمین آن، مناظره میان پارادایم‌های غیرخطی-خطی است که از سال ۲۰۰۱ آغاز شده است. نظریه پیچیدگی، یک عنوان ساده برای طیف سیستم‌های غیرخطی، پیچیده و آشوب، نشان می‌دهد که در نتیجه یک تعامل سیستمی، تغییراتی می‌تواند رخ دهد که عواقب کاملاً غیرمنتظره‌ای داشته باشد (Kavalaski, 2007: 445). نظریه شبکه‌ای نیز به‌عنوان آخرین موج از نظریه سیستم‌ها است که ریشه در نظریه آشوبی دارد. اساساً نظریات شبکه‌ای، چهارچوب نظری مناسبی را جهت



بررسی سیستم‌های پیچیده مهیا می‌کنند، چون به‌دقت به کلیه جنبه‌های یک معادله می‌پردازد. در این راستا، سامانه بین‌الملل در وضعیت پیچیده و آشوب دارای قواعد و اصول خاص خود است که در نتیجه آن می‌بایست پدیده نظم بازتعریف شود.

مفهوم نظم ذیل چهار مورد توضیح داده می‌شود: ۱- چهارچوب کارکردی نظم (سامانه)، اهداف، الگوهای رفتاری و سامان‌دهی آن. پدیده نظم ذیل مفهوم سامانه را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد که عبارت‌اند از: عناصر سامانه یا واحدها، کنش متقابل بین عناصر، مرز سامانه و قواعد حاکم بر سامانه و کنش‌های درونی و بیرونی دانست. اهداف سامانه نیز به دو نوع اهداف خرد و اهداف کلان تقسیم می‌شود. الگوهای رفتاری بازیگران نیز به دو گونه همکاری‌جویانه و تعارضی است. در بحث سامان‌دهی الگوهای رفتاری نیز مبحث سایبرنتیک و کنترل اهمیت می‌یابد (قاسمی، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۳).

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در عرصه سامانه جهانی رخ داده است، تحول در فرایندهای سیستمی و شبکه‌ای شدن سامانه است. نگرش شبکه‌ای بر محور ارتباطات و روابط متقابل میان واحدها، می‌تواند نگرشی نوین برای مطالعات منطقه‌ای ارائه دهد. جهت مفهوم‌سازی نوین از منطقه‌گرایی می‌توان از مدل نظم پراکنشی-شاخه‌ای بهره جست. در این مدل، نظم در چهارچوب سازه فیزیکی به‌نام شبکه پدیدار می‌شود که ارتباطات تعریف‌کننده آن است. نظم شبکه‌ای دارای مبانی منطقی از قبیل شاخه‌ای بودن، غیرخطی بودن، قانون قدرت، حاکمیت وضعیت وابستگی حساس، وجود مجذوب‌کننده‌های ناآشنا، کنترل از نوع چرخه‌ای الگوی نامتقارن است. در این الگو، سازه‌های هیتراشی و پانارشی به‌عنوان سازه اصلی سامانه بین‌الملل پیچیده و آشوب ایجاد می‌شود که مبتنی بر کارکرد سه اصل نظم‌بخش آناارشی، سلسله‌مراتب و پیچیدگی است. پانارشی نوعی حکمرانی است که به‌عنوان یک سامانه پیچیده انطباقی از شبکه‌های آناارشیک بوده که مبتنی بر تنوع است و در برابر سلسله‌مراتب مقاومت می‌کند. چنین سیستم‌های انطباقی پیچیده ۱. ایستا نبوده بلکه پویا هستند و ۲. متعادل نیستند بلکه به یک سو گرایش دارند (Hartzog, 2009:3). الگوی هیتراشی تأکید بر سلسله‌مراتب لایه‌ای داشته و هر لایه خود در داخل لایه بزرگ‌تری قرار دارد و الگوی پانارشی بر چرخه

سازگاری می‌کند. جریان فرایندهای شبکه از پایین به بالاست. لایه‌های بالایی کلیتی هستند که از لایه‌های پایینی ایجاد می‌شوند. در این وضع، هر شبکه منطقه‌ای دارای هسته‌ای است که مرتباً لایه‌های بزرگ‌تر بر آن سوار می‌شوند.

پدیده‌هایی مانند انقلاب سبب تغییر الگوی نظم سلسله‌مراتبی به الگوی نظم پراکنشی-شاخه‌ای می‌شوند، ثانیاً، آن‌ها سبب به چالش کشیدن توزیع قدرت و ساختارهای روبنایی برآمده از ساختارهای پایه سامانه پیچیده شده و از این طریق، سامانه بین‌الملل را تبدیل به شبکه‌ای چندلایه و آشیانه‌ای می‌کنند. الگوی نظم پراکنشی را می‌توان از گونه انطباقی دانست. به این معنا که رفتار خود را در واکنش به محیط جهت نیل به یک هدف یا اهداف تغییر می‌دهد. دو ویژگی مهم منطقه‌گرایی در شرایط فشارهای سیستمی، انطباق‌گرایی و شبکه‌ای شدن است (Hartzog, 2009:3; Newhard, Cline, 2022: 225-230).

ویژگی شبکه‌ای، سبب پیروی از قواعد نظریه شبکه‌ای می‌شود. سازه فیزیکی آن شبکه‌ای است که دارای خوشه‌های متعدد بوده به‌طوری‌که هر یک از این خوشه‌ها در مقیاس کوچک‌تر، خود یک شبکه مشخص را شکل می‌دهند. شکل‌گیری ساختار چنین شبکه‌ای مبتنی بر ارتباطات و پخش ارتباطات است که ذیل عبارت کانونی بودن یا مرکزیت نشان داده شده و به‌جای مفهوم قطبیت در سیستم‌های ساده قدیمی به‌کار می‌رود. کانونیت یک واحد به میزان قدرت یا نفوذ آن بازیگر در شبکه می‌پردازد (Hafner-Burton, Montgomery, 2010:3). ویژگی دوم، ویژگی انطباقی بودن است که دو الگوی هیتراشی و پانارشی نشان‌دهنده این سازه‌اند. در شبکه منطقه‌ای پانارشی، مرکزیت جایگزین قطبیت می‌شود. مرکزیت ارتباطی نشان‌دهنده چگالی و حجم ارتباطات مبادله شده در درون شبکه، از طریق گره‌های مشخص است. مرکزیت به‌عنوان مفهوم نوین شبکه‌ای، در چهارچوب پیوند بین گره‌ها، «مرکزیت مبتنی بر میانگی»^۱ و «مرکزیت مبتنی بر نزدیکی»^۲ تعریف می‌شود (قاسمی، ۱۴۰۱: ۳۷۸).

در باب مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای در شبکه جهانی می‌توان گفت که شبکه جهانی در چهارچوب نظریه شبکه‌ای، انواع گوناگونی از شبکه‌های منطقه‌ای را ایجاد می‌کند که بسته

1. Betweenness Centrality

2. Closeness Centrality

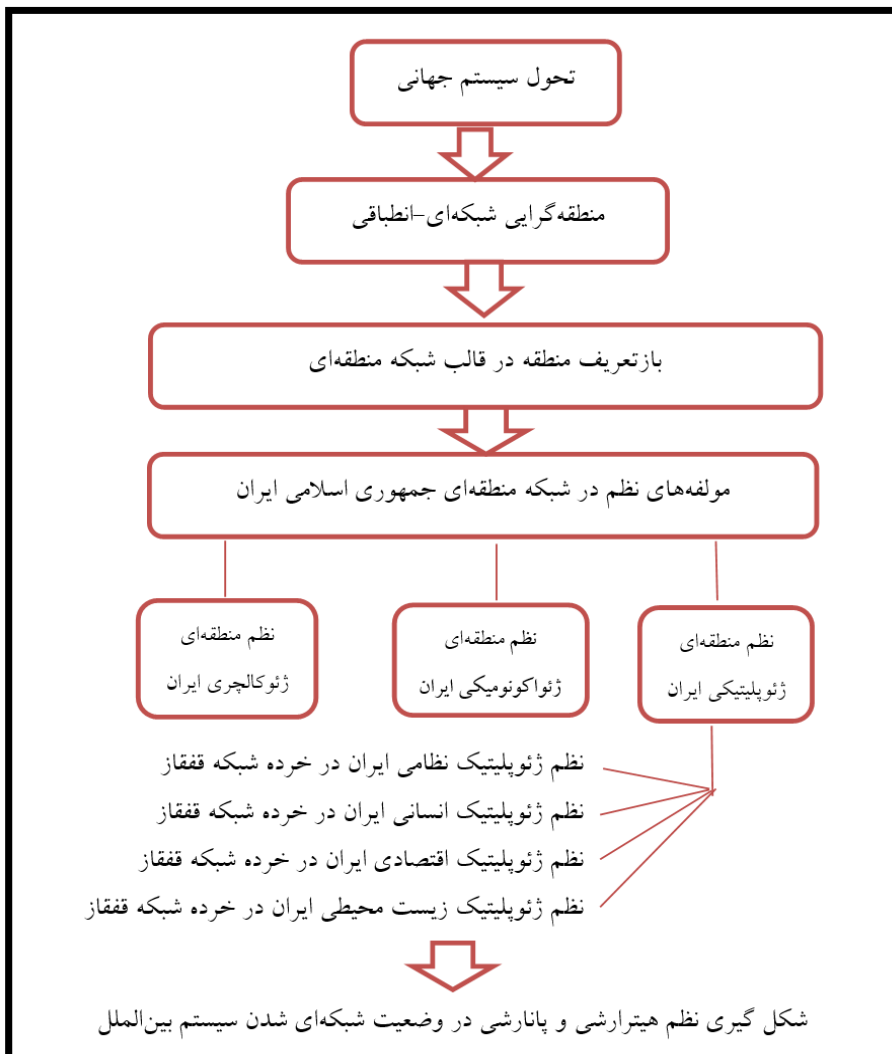


به خصیصه داخلی و میزان مشارکت و تأثیرگذاری در فرایند جهانی‌شدن، از نوع سامان‌یافته، فاقد معیار، تصادفی، چرخه‌ای و سلسله‌مراتبی است. از سوی دیگر، مهم‌ترین گونه‌بندی از شبکه‌های منطقه‌ای از بعد موضوعی می‌تواند شامل شبکه منطقه‌ای ژئوپلیتیکی، شبکه منطقه‌ای ژئوکالچری و شبکه منطقه‌ای ژئواکونومیکی می‌شود. همچنین، بسته به سطح تحلیل و موضوع، یکی از ابزارهای کلیدی برای درک پویایی‌های پیچیده سیاست بین‌الملل، خرده شبکه‌ها هستند. این ساختارها به تحلیل روابط چندلایه و نقش کنشگران مختلف در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی کمک می‌کنند. با تمرکز بر خرده شبکه‌ها، می‌توان روابط خاص و تأثیرات آن‌ها را در نظام بین‌الملل با دقت بیشتری بررسی کرد.

ج.ا. ایران در چهارچوب نظریه شبکه‌ای، از یک سو، خود بخشی از شبکه منطقه‌ای غرب آسیا محسوب می‌شود و می‌بایست در راستای کسب و ارتقای قدرت، اقدام به شبکه‌سازی کند. از سوی دیگر، ازجمله مناطقی که در ذیل شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود، قفقاز است که لازم است مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه تشریح کرد. با توجه به تمرکز پژوهش بر تعاملات قفقاز در سامانه بین‌الملل، این منطقه را می‌توان بخشی از یک شبکه بزرگ‌تر دانسته و بدین ترتیب، ذیل خرده شبکه (و نه شبکه‌ای مستقل) تعریف کرد. تحلیل قفقاز به‌عنوان یک خرده شبکه می‌تواند به درک بهتر تعاملات منطقه‌ای و نقش این منطقه در سیاست بین‌الملل کمک کند. بعد از فروپاشی شوروی، منطقه قفقاز به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. به‌علاوه، این حوزه، خوشه‌ای از شبکه منطقه‌ای ایران، روسیه و ترکیه است. پژوهش حاضر، سعی می‌کند با بازتعریف منطقه در قالب شبکه منطقه‌ای، قفقاز را به‌عنوان یک خرده شبکه، قسمتی از شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی تلقی کند. سپس به تشریح ویژگی‌های این خرده شبکه منطقه‌ای و در نهایت بررسی میزان کانونیت ایران در قفقاز با اتکا بر پوشش‌های مختلف سامانه بین‌الملل بپردازد. این کانونیت بر مبنای میانگی گره و نزدیکی به سایر گره‌ها و همچنین حجم و شدت ارتباطات شکل می‌گیرد (قاسمی، ۱۴۰۱: ۳۵۲). مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی را می‌توان مؤلفه‌هایی دانست که در راستای

نظم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز در چهارچوب جغرافیا، قدرت و سیاست بر راهبرد دفاعی ایران در مواجهه با تهدیدات مختلف مؤثر می‌باشند.

۳-۱. مدل مفهومی پژوهش



نمودار ۱: مدل مفهومی مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز



۴. روش‌شناسی پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر، از روش کیفی تحلیل اسنادی استفاده می‌شود. در روش تحلیل اسنادی، پژوهشگر می‌تواند از توصیف فراتر رود و به تفسیر و تحلیل موضوع بپردازد. در این روش، بعد از انتخاب موضوع، تعیین اهداف و سؤالات اصلی و فرعی، باید به بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش پرداخته شود. پژوهشگر جهت بسط دیدگاه خود و جداسازی قضاوت‌های شخصی یا پیش‌فرض‌های نظری از پژوهش، به چنین بررسی‌هایی مبادرت می‌ورزد. سپس با انتخاب یک رویکرد نظری مشخص، به جمع‌آوری منابع و اطلاعات می‌پردازد. درواقع، مطالعه منابع در این روش، به وحدت پارادایمی نیاز داشته و اندیشیدن در قالب یک رهیافت نظری مشخص، سبب جهت‌دهی به سیر مطالعه و پژوهش می‌شود. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر، نخست به بررسی مبانی نظری نظم شبکه‌ای از کتب و مقالات علمی موجود پرداخته و تلاش می‌شود مبتنی بر این نظریه، مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز ترسیم شود.

۵. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

براساس مطالعات انجام شده می‌توان نظم ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را در خرده شبکه قفقاز مبتنی بر چهار مؤلفه مختلف مطرح کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ژئوپلیتیک نظامی، ژئوپلیتیک انسانی، ژئوپلیتیک اقتصادی و ژئوپلیتیک زیست‌محیطی است. در ادامه به تشریح این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود؛

۵-۱. مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیک نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز

وودوارد معتقد است جغرافیای نظامی، همگان را احاطه کرده است. هر گوشه از هر مکان، در هر سرزمین، در هر بخش از این دنیای ما به‌نوعی توسط نیروهای نظامی و فعالیت‌های نظامی لمس، شکل، مشاهده و نمایش داده می‌شود (Woodward, 2004:3). نظامی‌گرایی به‌عنوان گسترش نفوذ نظامی به حوزه‌های غیرنظامی، ازجمله زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

است (Thee, 1977:296). گالگانو و پالکا از اصطلاح «جغرافیای نظامی» به عنوان ابزارها و تکنیک‌های جغرافیایی برای حل مشکلات نظامی استفاده می‌کنند (Galgano, Palka, 2011). این در حالی است که بسیاری از نویسندگان به دنبال فاصله گرفتن از این نوع تعریف از جغرافیای نظامی بوده و رویکردی انتقادی‌تر دارند. آن‌ها مسائل نظامی را نتیجه زندگی اجتماعی و منازعات سیاسی می‌دانند، نه صرفاً پذیرش «نظامی» به عنوان مقوله‌ای کارکردی. همچنین، بر نظامی‌گری و نظامی‌سازی تأکید دارند که به طور هم‌زمان گفتمانی، ایدئولوژیک و مادی است (Woodward, 2017:1-2).

از این رو، بررسی ژئوپلیتیک نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است. بدین ترتیب، مؤلفه‌های ژئوپلیتیک نظامی آن است که هرکدام از مؤلفه‌های نظامی با نقش ضعف، قوت، فرصت و تهدید در تعامل و ارتباط با قدرت در سیاست به کار گرفته می‌شوند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۱). در این راستا، نظم ژئوپلیتیکی نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز را می‌توان ذیل مؤلفه‌های زیر (حافظنیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸) دسته‌بندی و تشریح کرد:

منابع انسانی و قدرت نظامی نیروهای مسلح ایران در خرده شبکه قفقاز: قدرت نظامی از مهم‌ترین عناصر قدرت ملی محسوب می‌شود. واقع‌گرایان کلاسیک مانند مورگنتا، به کار بستن ابزارهای مادی مانند قدرت نظامی را به عنوان تنها راه نیل به منافع دولت‌ها در نظر می‌گیرند (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۱۱۰). در این راستا، قدرت نظامی را می‌توان این گونه تعریف کرد: به کلیه نیروهای مسلح، تجهیزات، فنون و آمادگی‌های نظامی یک دولت گویند (جعفری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴۸). بیشتر از آنکه قدرت نظامی به گونه‌ای بالفعل قلمداد شود، به صورت بالقوه بوده که هدف آن ایجاد آمادگی و توانمندی استفاده از منابع و امکانات در جهت منافع ملی کشور و بازدارندگی است.

حضور رژیم صهیونیستی به عنوان مهم‌ترین دشمن ایران در شبکه غرب آسیا و به ویژه خرده شبکه قفقاز را می‌توان تهدیدی برای امنیت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دانست که افزایش این حضور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، فنی و ... به معنای کاهش نفوذ و قدرت تأثیرگذاری ایران است. از این رو، لازم است در چهارچوب



بازدارندگی مثلی، به نفوذ متحدین منطقه‌ای قدرت‌های فرامنطقه‌ای توجه کرد. در این راستا، قراردادهای تسلیحاتی ایران و روسیه، خبر حضور و به‌کارگیری جنگنده‌های یاک ۱۳۰ در ناوگان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با وظیفه آموزشی - رزمی از آنجا اهمیت بیشتر پیدا یافت که کارشناسان آن را گام و یا پیش درآمدی دیگر برای تحویل جنگنده‌های سوخو-۳۵ تلقی کردند که ممکن است در آینده نزدیک به ناوگان هوایی ارتش جمهوری اسلامی ملحق شوند. رسانه‌های غربی معتقدند حتی تعداد اندکی از سوخو-۳۵ می‌توانند سبب تقویت قابل‌توجه دفاع هوایی ایران شود. خرید این سوخو-۳۵ در کنار استقرار دفاع موشکی اس-۴۰۰ در ایران سبب خطرناک‌تر شدن حریم هوایی ایران برای پرنده‌های مهاجم شده و می‌تواند به چالش بزرگی برای جنگنده‌های نسل چهار نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی تبدیل شود. در ادامه به‌طور مختصر به بررسی قدرت نظامی بازیگران خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز می‌پردازیم.

جمهوری آذربایجان از نظر قدرت نظامی در جهان در رتبه ۵۹ قرار دارد که در این صورت به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت نظامی قفقاز جنوبی محسوب می‌شود (Global fire power, 2024). این کشور با درآمد نفتی خود توانسته است هر ساله بودجه نظامی خود را افزایش دهد (Caspian news, 2022) به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۳، هزینه‌های نظامی خود را ۳,۱ میلیارد دلار (حدود ۱۸/۵ درصد بیشتر از سال قبل) تعیین کرده است. علی‌رغم این‌که سران آذربایجان بعد از استقلال، بر غیرنظامی شدن منطقه قفقاز و برچیدن پایگاه‌های نظامی روسیه در سه کشور تأکید می‌کردند، اما در عمل از گذشته تا اکنون، حضور نظامی آمریکا و ناتو و ترکیه را ضامن تأمین امنیت منطقه می‌دانند. این کشور با بستن پیمان‌های نظامی و همکاری با کشورهای غربی به این عقیده خود جامه عمل پوشانده است (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۵۴-۲۵۵). نیروی مسلح آذربایجان در طول جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰، با همراهی کشورهای دوست خود، از انواع تسلیحات و فناوری‌های پیشرفته از جمله هواپیماهای بدون سرنشین «بایراکتار»^۱ ترکیه،

«هاروپ»^۱ اسرائیلی و مهمات «اسکای استریکر»^۲ استفاده کردند (Caspian news, 2023).

جمهوری ارمنستان بودجه نظامی خود را در سال ۲۰۲۴ با افزایش ۸۱ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۰ (و افزایش ۶ درصدی آن نسبت به سال ۲۰۲۳)، به ۱/۳۷ میلیارد دلار رسانده است (Armen Press, 2024). از این رو، این کشور در رتبه ۱۰۱ ارتش‌های قدرتمند قرار دارد (Global fire power, 2024).

بودجه نظامی گرجستان در سال ۲۰۲۲، ۳۰۰،۵۰ میلیون دلار بود (Trading Economics, 2022). بدین ترتیب، طبق آمار این کشور از نظر قدرت نظامی در رتبه ۸۴ جهان قرار دارد.

بحران‌های ژئوپلیتیکی متعددی در حوزه قفقاز وجود دارد که ایران در راستای حفظ موازنه قوا و تضمین منافع دفاعی خود (که می‌توان آن را به معنای حفظ تمامیت ارضی کشور، وحدت و حاکمیت ملی، استقلال و بقا و موجودیت نظام جمهوری اسلامی تعریف کرد)، لازم است نسبت به آن مواضع و اقدامات مناسب انجام دهد. مهم‌ترین مسائلی که در این منطقه به لحاظ ژئوپلیتیک نظامی برای ایران اهمیت دارد عبارت‌اند از: بحران قره‌باغ و حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان است. حل نشدن مناقشات آبخازیا و اوستیای جنوبی نیز سبب تداوم بی‌ثباتی در خرده شبکه قفقاز و در نتیجه تأثیر بر امنیت منطقه‌ای ایران دارد. در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، آذربایجان توانست با افزایش هزینه‌های نظامی خود و با یاری ترکیه و رژیم صهیونیستی، مناطقی اشغالی تحت تسلط ارمنستان را پس بگیرد.

مسئله‌ای نگران‌کننده‌ای که متوجه ایران است، مربوط به بند ۹ توافق‌نامه آتش‌بس جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، درخصوص راه‌اندازی کریدوری ارتباطی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان است که با نام جعلی زنگزور از آن یاد می‌شود (Common space, 2020). زنگزور یک کریدور غربی-شرقی محسوب می‌شود که بخش مرکزی جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند. در ابتدا بنا بود این کریدور از ارمنستان بگذرد که با مخالفت جدی جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. عبور این کریدور از داخل خاک ارمنستان (استان سیونیک)، مرزهای ایران

1. Harop

2. Sky Stricker



و روابط با کشور ارمنستان را محدود کرده و یک نوع خفگی ژئوپلیتیک برای کشور به وجود می‌آورد. فلذا، علی‌رغم توافق بعضی رقبای منطقه‌ای با دول غربی، ایران توانست سایر کشورهای منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان را متقاعد به پذیرش پیشنهادهای خود و همکاری در چهارچوب نشست منطقه‌ای ۳+۳ با حضور شش کشور ایران، آذربایجان، ارمنستان، روسیه، گرجستان و ترکیه کند. بدین‌ترتیب، این چالش با توافق بر سر برقراری مسیر ترانزیتی شرقی غربی جمهوری آذربایجان- جمهوری نخجوان از طریق ایران تا حدودی مدیریت شد؛ اما همچنان به‌عنوان تهدید وجود دارد.

تسلیمات و صنایع دفاعی و نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز: ازجمله شاخص‌های قدرت نظامی، کمیت و کیفیت تسلیحات و تجهیزات و فناوری است. هر یک از فناوری‌های نظامی در هر مقطعی، زمینه رقابت تسلیحاتی را فراهم آورده است که ازجمله آن‌ها عبارت‌اند از: کشتی‌های جنگی، باروت، هواپیما، موشک‌های راهبردی و تاکتیکی، ماهواره‌های نظامی، بمب‌های هسته‌ای و هیدروژنی، فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی است (محمودزاده و سایر، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

ایران با وجود تحریم‌های گسترده توانست در زمینه تولیدات دفاعی از موشک و سامانه‌های پدافند هوایی و پهپاد و تسلیحات سبک و سنگین گرفته تا ناوشکن‌های چندهزارتنی و انواع جنگنده‌ها و زیردریایی، به قدرت اول منطقه تبدیل شود. ازجمله مهم‌ترین دستاوردهای ایران، ساخت موشک خرمشهر به‌عنوان مهلک‌ترین و مدرن‌ترین موشک بالستیک با برد ۲۰۰۰ کیلومتر، موشک‌های کروز هوپزه و صیاد 4B، ساخت موشک هایپرسونیک فاتح، ساخت پهپادهای شاهد ۱۴۷ و ۲۳۶، آرش ۲ و مهاجر ۱۰، سامانه باور ۳۷۳ و سامانه بومی سوم خرداد که پهپاد گلوبال هاوک را منهدم کرد، ساخت بالگردهای بومی شاهد، ساخت تانک و نفربرها که ایران در این حوزه، رده سیزدهم جهان است، ساخت ناوشکن‌های بومی جماران و زیردریایی فاتح و غیره است. خبرها حاکی از آن است که ایران در بحران اخیر قره‌باغ به ارمنستان موشک‌های ضدزره دهلاویه و موشک تاپ اتک الماس در کنار چندین فروند پهپاد رزمی، شناسایی و انتحاری و غیره فروخته است (تحریریه، ۱۴۰۱).

معاهدات راهبردی دفاعی-امنیتی ایران با واحدهای خرده شبکه قفقاز: پیمان دفاعی نوعی توافقنامه رسمی است که دولت‌ها را متعهد می‌کند نیروهای نظامی خود را با یکدیگر هماهنگ کرده و ساختار دفاعی خود را در مقابله با سایر دولت‌ها معین کنند. معمولاً این پیمان‌ها میان دولتی شکل می‌گیرد که نخست، رویکردهای سیاسی-ایدئولوژیکی و امنیتی مشترکی هستند؛ دوم، در پی رسیدن به منافع امنیتی همگون هستند؛ و سوم، دارای تهدید مشترک یا دشمن مشترک می‌باشند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴). موقعیت دفاعی ایران نه تنها مبتنی بر چارچوب‌های تاریخی و سنتی قابل تحلیل است، بلکه می‌توان آن‌ها را براساس ضرورت‌های موجود در سیاست دفاعی ایران در شبکه منطقه‌ای آن تفسیر کرد. برای نمونه، خرده شبکه قفقاز به عنوان یکی از حلقه‌های استراتژیک شبکه جمهوری اسلامی ایران، بعد از جنگ سرد، دچار خلأ امنیتی و راهبردی شد. منازعات آبخازیا، جنگ قره‌باغ و بحران اوستیای جنوبی می‌تواند نشانگر چنین خلأی باشد. فلذا ایران لازم است در این خرده شبکه، انعقاد پیمان‌های دفاعی را در فضای خلأ امنیتی قفقاز پیگیری کند. کشورهای انقلابی مانند ج.ا.ایران به دلیل نقش انقلابی خود، باعث می‌شوند که دولت‌های اقتدارگرا احساس تهدید کرده و زمینه برای همکاری‌های دفاعی فراهم نشود. در این راستا، از یک سو، چون همکاری‌های دفاعی در جهت ایجاد تعادل منطقه‌ای صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، همکاری بازیگر دولتی با بازیگر غیردولتی در راستای برهم خوردن تعادل است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۳)، فلذا جمهوری اسلامی در مواجهه با کشورهای خرده شبکه قفقاز به نظر می‌رسد نیازمند آن است که تا بازیگران دولتی این خرده شبکه را با ابزارهای متنوع و اطمینان‌بخش اقناع کند که همکاری دفاعی به سود طرفین خواهد بود. چون گروه‌های غیردولتی صرفاً در شرایطی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند که منطقه در شرایط عدم تعادل باشد که در برخی مواقع، جهت متعادل سازی منطقه می‌توان از آن استفاده کرد.

بدین ترتیب، نظم ژئوپلیتیک نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز می‌تواند از طرق مختلف محقق شود که عبارت‌اند از: نخست، از طریق همکاری‌های دوجانبه ایران با کشورهای این خرده شبکه است که در چهارچوب انعقاد توافق‌نامه‌های نظامی و امنیتی و همچنین، برگزاری



مانورهای مشترک ایران با کشورهای حوزه قفقاز جنوبی قابل انجام است و سبب استحکام شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌شود. درحالی‌که ترکیه به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، سال‌ها است با کشورهای قفقاز جنوبی به‌ویژه آذربایجان و گرجستان دارای روابط راهبردی نظامی-امنیتی در قالب انعقاد توافق‌نامه‌های نظامی و همچنین، برگزاری رزمایش‌های مشترک مانند رزمایش مشترک «عقاب قفقاز-۲۰۲۴» با شرکت ترکیه، آذربایجان و گرجستان (آنادولو، ۲۰۲۴)، رزمایش مشترک ترکیه و آذربایجان به‌نام «مصطفی کمال آتاتورک-۲۰۲۳» (TRT فارسی، ۲۰۲۳) و غیره است، روابط نظامی-امنیتی ایران و آذربایجان، از زمان استقلال آذربایجان، برای اولین بار در سپتامبر ۲۰۲۳، طی امضای سند نهایی سومین نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های نظامی و دفاعی شکل گرفت (میزان، ۱۴۰۲). در این راستا، ایران که بعد از جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ تا سال ۲۰۲۲، سه رزمایش در مرزهای شمالی خود و پشت مرزهای جمهوری آذربایجان برگزار کرد، با انعقاد چنین سندی، در سال ۲۰۲۴ توانست یک رزمایش مشترک با این کشور، در سطح یک گردان از نیروهای ویژه و واکنش سریع، به‌منظور مقابله با تروریسم و تأمین امنیت پایدار سد ارس که مورد تهدید از سوی گروه‌های تروریستی است، در استان آذربایجان غربی برگزار کند (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۳). چنین توافقات و رزمایش‌هایی به‌تدریج سبب تغییر روابط ایران با آذربایجان از متخاصمانه به استراتژیک می‌شود و به‌تدریج تراز قدرت را به نفع ایران تغییر می‌دهد.

علاوه بر این، ایران از راه‌های دیگری نیز نظم ژئوپلیتیک نظامی خود را در خرده شبکه قفقاز دنبال می‌کند که عبارت‌اند از: از طریق همکاری با سازمان‌های بین‌المللی در قالب اعزام نیروهای حافظ صلح به مناطق مورد مناقشه در قفقاز مانند قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی، تقویت توان نظامی خود از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی خود در مرزهای شمالی کشور و حتی در کشورهای قفقاز جنوبی و همچنین، ارتقای تجهیزات نظامی و افزایش تعداد و کیفیت نیروهای نظامی مستقر در این منطقه، به‌کارگیری دیپلماسی فعال در چهارچوب گفتگوهای دیپلماتیک در حوزه نظامی-امنیتی و ارائه پیشنهاد ایجاد سازوکارهای امنیتی منطقه‌ای مشترک است.

در این راستا، ارتش جمهوری اسلامی ایران که دارای یگان حافظ صلح است (ایسنا، ۱۴۰۰)، می‌تواند در عملیات حفظ صلح در مناطق مورد مناقشه قفقاز به‌ویژه قره‌باغ شرکت کند که زمینه مشارکت فعال ایران را در این منطقه فراهم می‌آورد. این یگان سابقاً در ماموریت‌های سازمان ملل به نام‌های «یونمی»^۱ (سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ در اتیوپی و اریتره با دو ناظر نظامی)، «یونمیس»^۲ (سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ در سودان با دو ناظر نظامی) و «یونامید»^۳ (از سال ۱۳۹۱ در دارفور سودان با سه ناظر نظامی) به‌عنوان ناظر نظامی مشارکت داشته است (سرودی، ۱۳۹۶: ۶۷).

ایران در حوزه ارتقای توان نظامی در مرزهای شمالی خود، توانسته است در طی بعد از جنگ قره‌باغ سه رزمایش نظامی برگزار کند (تسنیم، ۱۴۰۱) که هدف اصلی آن نشان دادن عدم ممانعت ایران با هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ دوم قره‌باغ بود. در این باب ایران بارها از طرق دیپلماتیک و رسانه‌ای مواضع خود را در قبال چنین تغییراتی به جمهوری آذربایجان و ارمنستان گوشزد کرد و از طریق برگزاری سه رزمایش قدرت خود را به همگان به نمایش گذاشت.

از سویی دیگر، یکی از اقدامات ایران در حوزه پیشنهاد سازوکارهای منطقه‌ای، فعال کردن طرح «۳+۳» (با مشارکت وزرای خارجه ایران، روسیه، ترکیه و سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) با عنوان «نوبت صلح، همکاری و پیشرفت در قفقاز جنوبی» بود که اولین نشست آن در آبان ۱۴۰۲ در تهران بدون حضور وزیر خارجه گرجستان برگزار شد (ایسنا، ۱۴۰۲). این نشست فرصتی را برای انجام گفت‌وگوهای سازنده بین کشورهای حوزه قفقاز جنوبی و کشورهای همسایه آن فراهم کرد و در همین چهارچوب در ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های متقابل سودمند بین کشورهای منطقه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مردمی تأثیرگذار بود. این قبیل اقدامات می‌تواند پایه‌گذار نوعی نظم ژئوپلیتیکی نظامی و امنیت منطقه‌ای شود که به غیرنظامی و غیرامنیتی ساختن منطقه بینجامد.

1. UNMEE: United Nations Mission in Ethiopia and Eritrea

2. UNMIS: United Nations Mission in Sudan

3. UNAMID: African Union- United Nations Mission in Darfur



۵-۲. مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیک انسانی ایران در خرده شبکه قفقاز

ژئوپلیتیک انسانی یکی از متغیرهای مهم در چرخه منطقه‌ای و جهانی قدرت است. ژئوپلیتیک انسانی به مطالعه ارتباطات بین جغرافیا و عوامل انسانی در قالب تحلیل‌های ژئوپلیتیک می‌پردازد. این رویکرد، به بررسی نقش عوامل انسانی در شکل‌گیری فضاهای جغرافیایی، قدرت و تعاملات بین‌المللی می‌پردازد. در خرده شبکه قفقاز به‌عنوان یکی از خوشه‌های شبکه غرب آسیا، وجود گروه‌های انسانی و جمعیتی متنوع در کنار یکدیگر، نحوه پراکندگی آن‌ها در این خرده شبکه، تلاقی این پراکندگی و چینش با دیگر متغیرهای ژئوپلیتیکی مانند اقتصاد، ارتباطات و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مداخله‌گر و رقیب (قاسمی، ۱۴۰۱: ۴۱۹) سبب شده است. نظم ژئوپلیتیکی انسانی در این خرده شبکه اهمیت زیادی یابد. بدین ترتیب، مطالعه ژئوپلیتیک انسانی و نظم حاصل از آن، برای نقش‌آفرینی یک قدرت منطقه‌ای مانند ایران مهم قلمداد می‌شود. از منظر ژئوپلیتیک انسانی، خرده شبکه قفقاز دارای ویژگی‌های زیر است:

گوناگونی جمعیت و تنوع قومیتی در قفقاز و وجود سازه بلوکی و چندپیکری: قفقاز به‌عنوان منطقه‌ای که از قدیم‌الایام بیش از ۷۰ قبیله در آنجا ساکن بودند و به زبان‌های متنوع سخن می‌گفتند (Roller, 2014)، به‌عنوان یکی از مناطق کثیرالمله شهرت دارد. در حال حاضر، در این منطقه، بیش از پنجاه قوم از سه خانواده قفقازی یعنی ایبری-قفقازی، هند و اروپایی و آلتایی زندگی می‌کنند. گرجی‌ها و ارامنه، بومی منطقه قفقاز محسوب می‌شوند و بقیه قومیت‌ها مانند اسلاوها از اوکراین، روسیه و بلاروس به این منطقه مهاجرت کردند. اقوام مختلفی نظیر آذری‌ها، ارامنه، گرجی‌ها، آبخازی‌ها، اوستین‌ها، لزگی‌ها، تالشی‌ها، آوارها، گُردها، اردنی‌ها، ساخورها، تاتارها و یهودیان در این منطقه ساکن می‌باشند. ۵۲ درصد جمعیت قفقاز مسلمانند. مسلمانان قفقاز غالباً از خانواده زبان آلتایی و ایبری هستند که قرابت‌های زیادی با مردم ترکیه، شمال غرب ایران و غرب دریای خزر دارند (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۴). به عقیده هانتینگتون، قفقاز روی خط برخورد تمدن‌های اسلام و مسیحیت قرار گرفته است. رشد جمعیت در این مناطق به دلایلی مختلف امنیتی و مسائل اقتصادی کاهش یافته است. بدین ترتیب، با این فرض که همگون بودن ژئوپلیتیک انسانی یک منطقه، یکی از عوامل

وجود امنیت منطقه‌ای است، در حوزه قفقاز، تنوع عوامل انسانی (گوناگونی جمعیتی، قومی، زبانی و مذهبی) زمینه مناقشات زیادی را در این منطقه فراهم آورده است که عبارت‌اند از: مناقشات قره‌باغ، ابخازیا، اوستیای جنوبی، مناقشات چچن، داغستان در قفقاز شمالی. در جمهوری آذربایجان و گرجستان به دلیل عوامل انسانی ناهمگون، مناقشات زیادی در عرصه سیاست داخلی این کشورها وجود دارد. درحالی‌که در ارمنستان به دلیل وجود اقلیت‌های قومی-مذهبی کم‌تر و به عبارتی عوامل انسانی همگون‌تر، مناقشات کمتری ملاحظه می‌شود. گرایش شدید ترکیب دینامیک‌های انسانی و دینامیک قدرت که سبب شکل‌دهی به ستیزش‌های مختلف مانند ستیزش‌های نیابتی می‌شود. در حوزه قفقاز، کثیرالمله بودن و گوناگونی عوامل انسانی سبب جهت‌گیری هر یک از گروه‌ها به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مختلفی می‌شود و در نتیجه علی‌رغم این‌که در طول تاریخ قفقاز، گروه‌های مختلف به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کردند، دینامیک قدرت می‌تواند زمینه نقش‌آفرینی رقبای جهانی و منطقه‌ای را در این حوزه فراهم آورد. برای نمونه، در این خرده شبکه، آمریکا و روسیه از یک سو و ایران و ترکیه از سوی دیگر، جدی‌ترین رقیب در منطقه هستند که رقابت‌های آن‌ها سبب ایجاد ستیزش‌های نیابتی می‌شود.

ترکیب دینامیک‌های انسانی با سازه‌های کنترل خرده شبکه قفقاز که به دلیل بلوکی و چندپیکری بودن خرده شبکه، سبب شکل‌گیری کنترل‌های نیابتی در این حوزه شده است. به علاوه، منجر به ظهور مدل‌های مختلفی از موازنه قدرت شده است (قاسمی، ۱۴۰۱: ۴۲۰). بدین گونه که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ویژه ایران، روسیه، ترکیه، اتحادیه اروپا و آمریکا با ارائه طرح‌های متنوع امنیتی درصدد کنترل بر خرده شبکه قفقاز می‌باشند. در مدل‌های کنترلی منطقه‌گرا، شش کشور خرده شبکه قفقاز (آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه، ایران و ترکیه) نقش‌آفرینی می‌کنند. از طرفی، در مدل‌های کنترلی فرامنطقه‌ای، علاوه بر این شش کشور، اتحادیه اروپا و آمریکا نیز حضور دارند. در مجموع، دیدگاه غالب بازیگران در باب امنیت قفقاز، در چهارچوب امنیت دسته‌جمعی است. نظر غالب کشورهای قفقاز جنوبی بر اجرای مدل‌های فرامنطقه‌گرا است درحالی‌که کشورهای هم‌مرز با این خرده شبکه



مانند ایران، ترکیه و روسیه قائل به اجرای مدل‌های کنترل منطقه‌گرا می‌باشند و به شدت مخالف حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این حوزه‌اند.

ترکیب دینامیک‌های انسانی با دینامیک اقتصادی در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز، زمینه رشد چرخه قدرت در بعضی از بلوک‌ها مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اکو، پیمان شانگهای و ... شد.

سیر مهاجرت قفقازی‌ها به ایران به دوران صفویه برمی‌گردد. برای نمونه، بخش اعظم گرجی‌های قفقاز در فریدون‌شهر اصفهان ساکن شدند و بعدها به دین اسلام گرویدند. همچنین، آرامنه حتی در دوران قبل از صفویه، در شهرهای مختلف ایران سکونت داشته و بزرگ‌ترین گروه مسیحی ایران محسوب می‌شوند. قوم آذری نیز که اکثریت آن‌ها مسلمان شیعه هستند، به عنوان دومین قوم بزرگ ایران به حساب می‌آید.

نظم ژئوپلیتیک انسانی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز، با توجه به نکات مطروحه در این باب را می‌توان ذیل مباحثی مانند توزیع انسانی گروه‌های مذهبی و گروه‌های قومیتی توضیح داد. به دلیل وجود اقوام متعدد در حوزه قفقاز نظیر آذری‌ها، تالشی‌ها، آرامنه، گرجی‌ها، تات‌ها، آوارها و غیره می‌توان با سازمان‌دهی این گروه‌های قومی به عنوان بازیگران غیردولتی ابزار فشاری جهت هم‌سو سازی دولت‌های متبوعشان دانست.

۵-۳. مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیک اقتصادی ایران در خرده شبکه قفقاز

ژئوپلیتیک اقتصادی به مطالعه تعاملات بین‌المللی از منظر اقتصادی با تأکید بر تأثیرات جغرافیایی و قدرت‌های سیاسی بر اقتصاد جهانی می‌پردازد. این رشته به بررسی نحوه تأثیرگذاری موقعیت جغرافیایی کشورها، منابع طبیعی، مسیرهای تجاری و سیاست‌های دولت‌ها بر روابط اقتصادی بین‌المللی می‌پردازد. در ژئوپلیتیک اقتصادی، تحلیل‌هایی مانند تأثیر خطوط لوله نفت و گاز، مسیرهای دریایی تجاری و مناطق آزاد تجاری بر اقتصاد جهانی مطرح می‌شود (Flint, Taylor, 2011).

ژئوپلیتیک اقتصادی بر روابط قدرت و تأثیرات سیاسی اقتصادی متمرکز است. تحلیل این

روابط به‌وسیله عواملی همچون نیروی نظامی، توانمندی‌های سیاسی، تحریم‌ها و روابط بین‌المللی صورت می‌گیرد. این مؤلفه تأثیرات اقتصادی بر جغرافیای سیاسی، مثل برنامه‌های تحریم، تجارت دولتی و تأثیرات اقتصادی بر امنیت ملی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. برای نمونه به بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر روابط سیاسی یک کشور با دیگران می‌پردازد. یک نکته قابل ذکر در این بحث، تفاوت ژئوپلیتیک اقتصادی و ژئواکونومی است که می‌توان گفت با وجود این‌که ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است اما این دو رویکرد از دو منظر با یکدیگر تفاوت اساسی دارند: نخست، از نظر موضوع که ژئواکونومی به فعالیت‌های سیاسی و نظامی نمی‌پردازد و تمرکز آن روی فعالیت‌های اقتصادی است. از سویی، به‌کارگیری قدرت نظامی در راستای رسیدن به منافع اقتصادی ذیل مباحث ژئوپلیتیکی بررسی می‌شود. دوم، از نظر بازیگران درگیر است که در مباحث ژئوپلیتیکی، بازیگر عمده دولت است درحالی‌که در ژئواکونومیک بازیگری محدود به دولت نبوده و بخش خصوصی نیز در این حوزه نقش‌آفرینی می‌کنند (مختاری‌هشی، ۱۳۹۷: ۶۳).

نظم ژئوپلیتیک اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز مبتنی بر مؤلفه‌هایی مانند حوزه نظامی، سیاست‌های تجاری، روابط سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی است (Clausen, 2019).

حوزه نظامی: این حوزه، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در ژئوپلیتیک اقتصادی ایران در خرده شبکه قفقاز مؤثر است. حضور و اقدامات نظامی ایران می‌تواند به شکل‌گیری شرایط پایدار و امن جهت توسعه اقتصادی این کشور در بین سه کشور قفقاز جنوبی مبادرت ورزد. یکی از بخش‌هایی که در راستای نظم ژئوپلیتیک اقتصادی ایران اهمیت دارد، مربوط به حفظ امنیت خطوط انتقال انرژی و تأسیسات زیرساختی مانند جاده‌ها، بنادر و راه‌آهن است که لازمه آن حضور نظامی ایران در این منطقه است تا مانع از ایجاد خطراتی از قبیل خرابکاری و حملات تروریستی شوند. این مسئله در نهایت سبب ایجاد امنیت در تجارت و ترانزیت در شبکه ژئوپلیتیکی ایران در قفقاز می‌شود. به‌علاوه، تضمین امنیت و حضور نظامی ایران در حوزه قفقاز سبب کاهش تنش‌ها و منازعات منطقه‌ای مانند بحران امنیت ملی ارمنستان و



اختلافات این کشور در تعیین تکلیف نهایی قره‌باغ شده و زمینه را برای افزایش اعتماد در بین سرمایه‌گذاران ایرانی جهت رشد سرمایه‌گذاری خارجی، محافظت از پروژه‌های اقتصادی مشترک بین ایران و کشورهای قفقاز، کنترل مرزها و مبارزه با قاچاق کالا، مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته، تسهیل همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و غیره فراهم می‌آورد. این موارد منجر به توسعه روابط اقتصادی ایران و کشورهای قفقاز شده که در نهایت شبکه ژئوپلیتیک ایران را در این منطقه شکل می‌دهد.

سیاست‌های تجاری: سیاست‌های تجاری ایران می‌تواند نقش مهمی در نظم ژئوپلیتیک اقتصادی این کشور در منطقه قفقاز ایفا کنند. از جمله سیاست‌های تجاری ایران که می‌تواند در نظم شبکه‌ای جمهوری اسلامی در قفقاز مؤثر باشد عبارت‌اند از: افزایش تجارت دوجانبه و چندجانبه مانند انعقاد توافق‌نامه‌های تجاری ایران و کشورهای قفقاز درخصوص کاهش تعرفه‌ها، ایجاد مناطق آزاد تجاری و تسهیل صدور مجوزهای تجاری، سیاست‌های مربوط به توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترانزیت، تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک از سوی دولت، همکاری در بخش انرژی، حمایت دولت از تجارت قانونی، مشارکت فعال دولت‌های ایران و کشورهای قفقاز در سازمان‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سیاست‌های مرتبط با توسعه گردشگری می‌توانند به ایجاد شرایطی پایدار و امن برای رشد اقتصادی و تقویت روابط با کشورهای قفقاز کمک کنند.

روابط سیاسی: کشورهای مختلف می‌توانند با استفاده از ایجاد روابط سیاسی مستحکم با شبکه منطقه‌ای خود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در نظم ژئوپلیتیکی خود بگذارند. روابط سیاسی ایران با خرده شبکه قفقاز را می‌توان ذیل مؤلفه‌هایی از قبیل سفرهای دیپلماتیک در سطح دیدارهای سران و برگزاری نشست‌های دو یا چندجانبه، دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه مانند مذاکرات مداوم و انعقاد توافق‌نامه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با سه کشور قفقاز جنوبی و غیره است. فلذا، توسعه روابط سیاسی ایران با کشورهای آذربایجان، گرجستان و ارمنستان در نظم ژئوپلیتیک اقتصادی ایران، نقش بسزایی دارد.

تحریم‌های بین‌المللی: تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تأثیرات گسترده‌ای بر نظم ژئوپلیتیک اقتصادی این کشور با کشورهای منطقه قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) داشته است. این تحریم‌ها نه تنها باعث محدودیت‌هایی در روابط اقتصادی و تجاری شده‌اند، بلکه بر روابط دیپلماتیک و همکاری‌های منطقه‌ای نیز تأثیرگذار بوده‌اند. ایران در حوزه‌های مختلف از قبیل مالی و بانکی، تجاری، نفتی و انرژی، صنعتی و فناوری و ترانزیت درگیر تحریم‌های سخت است. این تحریم‌ها باعث محدودیت در تجارت و تبادلات اقتصادی، تضعیف پروژه‌های زیرساختی و ترانزیتی، کاهش همکاری‌های انرژی، تضعیف روابط دیپلماتیک و سیاسی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تضعیف موقعیت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شده‌اند. برای بهبود روابط و تقویت موقعیت ژئوپلیتیک اقتصادی خود در منطقه قفقاز، ایران نیازمند تلاش‌های دیپلماتیک برای رفع تحریم‌ها و توسعه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه است.

۴-۵. مؤلفه‌های ژئوپلیتیک زیست‌محیطی ایران در خرده شبکه قفقاز

یکی از اصول مهم ژئوپلیتیک، حفاظت از محیط‌زیست است که مبتنی بر دو اصل ثابت می‌شود که دولت‌ها و ملت‌ها باید از فرایندهای محیط‌زیستی مراقبت کنند: ۱. استدلالات مبتنی بر حفظ منافع و مصلحت خودشان و ۲. استدلالات مربوط به ارزش ذاتی محیط‌زیست (زین‌العابدین، پاک‌نژاد متکی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). «ژئوپلیتیک زیست‌محیطی»^۱ ذیل ژئوپلیتیک انتقادی مفهوم‌سازی می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۴). ژئوپلیتیک زیست‌محیطی به بررسی تأثیرات محیط زیستی بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها و نقش عوامل محیطی در استراتژی‌های ژئوپلیتیکی می‌پردازد. ژئوپلیتیک محیط زیستی در قرن بیست و یکم بر ارتباطات پیچیده بین تغییرات محیطی و پویایی‌های ژئوپلیتیکی تمرکز دارد. تغییرات بزرگ در اقتصاد و بوم‌شناسی را نیازمند بازنگری در استراتژی‌ها و سیاست‌های ژئوپلیتیکی است که فراتر از دیدگاه‌های مرسوم دولت‌محور است. مسئله جهانی شدن نیز در شکل دادن به



سیاست زیست‌محیطی نقش مؤثر دارد. این موضوع شامل چگونگی تأثیرگذاری فرایندهای اقتصادی و سیاسی جهانی بر محیط‌های محلی و جهانی و نیاز به سیاست‌هایی است که این وابستگی‌های متقابل پیچیده را در نظر می‌گیرد (Dalby, 2014: 3-12).

مؤلفه‌های ژئوپلیتیک زیست‌محیطی ایران در منطقه قفقاز شامل مدیریت منابع آب، حفاظت از منابع طبیعی و جنگل‌ها، مقابله با تغییرات اقلیمی، آلودگی محیط‌زیست و مدیریت پسماند، حفاظت از تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها و مدیریت منابع انرژی و استخراج معادن می‌شوند. همکاری‌های مشترک در این زمینه‌ها می‌تواند به بهبود روابط ایران با کشورهای قفقاز و تقویت نظم ژئوپلیتیک شبکه منطقه‌ای ایران کمک کند. ایران و کشورهای قفقاز می‌توانند با تدوین و اجرای برنامه‌های مشترک محیط زیستی، به حفظ و بهبود وضعیت محیط‌زیست منطقه و تأمین پایداری منابع طبیعی کمک کنند.

در حوزه مدیریت منابع آبی، مناطق قفقاز از منابع آبی سرشاری برخوردار است. کشورهای این منطقه دارای اشتراکاتی در حوضه آبریز هفت رودخانه مهم قفقاز که شامل «ارس»، «کورا»، «ترک»^۱، «سامور»^۲ (که این سه رودخانه به دریای کاسپین می‌ریزند) و رودخانه‌های «چوروخی»^۳، «ریونی»^۴ و «اینگوری»^۵ (که به دریای سیاه می‌پیوندند) هستند (Ubilava, 2003: 1). علی‌رغم وجود مناقشات قومی و سیاسی متعدد در کشورهای قفقاز، اختلافات قابل ملاحظه‌ای در حوزه کمی منابع آبی مشترک در منطقه وجود ندارد. کشورهای قفقاز جنوبی، پس از استقلال خود، بیشتر مبادرت به امضای توافق‌نامه‌های همکاری در حوزه منابع آبی مشترک با همسایگان فرامنطقه‌ای خود نظیر ایران، روسیه و ترکیه ورزیدند. درحالی‌که این سه کشور در بین خود قراردادهای دو یا چندجانبه‌ای در زمینه منابع آبی مشترک، تخلیه فاضلاب‌ها به آب‌های مشترک که منجر به آلوده شدن این منابع می‌شود، امضا نکردند (کلانتری، حکمت‌آرا، ۱۳۹۹: ۲۸۷۷).

1. Terek
2. Samur
3. Chorokhi
4. Rioni
5. Enguri

همین عامل می‌تواند در آینده‌ای نزدیک زمینه اختلافات جدیدی را بین این کشورها فراهم آورد.

از سویی، ایران دارای شش حوضه آبریز بوده که اکثر این حوضه‌ها با بحران آبی یا مشکلات کم‌آبی مواجه هستند (دهشیری، حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۵۹۸). قفقاز جنوبی از منظر نظم ژئوپلیتیکی زیست‌محیطی ایران، به دلیل اشتراکات حوضه‌های آبریز فرامرزی کورا-ارس با ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان دارای اهمیت زیادی است. با توجه به وضعیت کم‌آبی ایران و موضع پایین‌دستی آن در این حوضه آبریز لازم است ایران در راستای نظم ژئوپلیتیکی شبکه منطقه‌ای خود، با اتخاذ راهبردهای دیپلماتیک و بهره‌مندی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیستی، به طراحی الگویی پایدار جهت حفظ منافع ملی و منابع طبیعی و انسانی ایران در حوزه هیدروپلیتیک مبادرت ورزد.

یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های مشترک میان ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، رودخانه ارس است. این سه کشور در حوضه آبریز کورا-ارس با هم مشترک هستند. رود ارس، از جهت پرآب و خروشان بودن، دارا بودن چند جزیره و راه‌های ارتباطی مناسب از اهمیت زیادی برخوردار است.

در باب بهره‌برداری منابع آبی می‌توان گفت آذربایجان به‌عنوان کشوری که پنجاه درصد منابع آبی آن توسط رودهایی مانند کورا، ارس، سامور و غیره تأمین می‌شود که سرچشمه آن‌ها در بیرون از خاک سرزمینی این کشور واقع شده است. آذربایجان با وجود دارا بودن منابع فراوان انرژی مانند نفت و گاز، از نظر دسترسی به آب شیرین و زیرساخت‌های آن با مشکلات جدی مواجه است. از سویی دیگر این کشور با همسایگان خود دارای چالش‌هایی از قبیل مشکل آلودگی رودخانه‌هایی که از خارج به این کشور وارد می‌گردند، مشکلات مربوط به توافق نحوه اشتراک و میزان استفاده از آب‌های مرزی و مقابله با تصمیم همسایگان بر سر احداث مخازن و سدهای آبی و انتقال آب است. آذربایجان به‌عنوان کشوری پایین‌دست آبی، با ارمنستان و گرجستان اختلافاتی در مورد پساب‌های کشاورزی و صنعتی است. نیم‌قرن همکاری ایران و جمهوری آذربایجان در راستای بهره‌برداری آب‌های مشترک رودخانه ارس،



می‌تواند به‌عنوان یک الگوی موفق، در سطح منطقه خاورمیانه تلقی شود. دو کشور توانستند در این سال‌ها، با کمک سازه‌های احداث شده مانند سد و نیروگاه برقابی ارس در شهر پلدشت، سد انحرافی میل و مغان، سدهای خدافرین و قیز قلعه سی و ابزارهای اطلاع‌رسانی و سامانه‌های پیش‌بینی و اندازه‌گیری ورودی و خروجی آب تا حد زیادی خسارت‌های ناشی از طغیان رودخانه در دو کشور به حداقل برسانند (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۴۰۳).

بین ایران و ارمنستان نیز اختلاف خاصی در حوزه آبی وجود نداشته و اختلاف اصلی درخصوص آلودگی ناشی از تخلیه پسماندهای معادن مس این کشور، کارگاه‌های استخراج فلزات و نیروگاه اتمی متسامور است. اتحادیه اروپا، نیروگاه متسامور را به‌عنوان یکی از پنج نیروگاه خطرناک جهان معرفی کرده است (دهشیری، حکمت‌آرا، ۱۳۹۷: ۶۱۱). ازاین‌رو، ورود آلاینده‌های صنعتی این نیروگاه به رودخانه ارس، سبب به خطر افتادن سلامت زمین‌های کشاورزی و محیط‌زیست می‌شود که ایران هم از این آسیب متضرر می‌شود. در این راستا، جمهوری اسلامی و ارمنستان از سال ۱۴۰۰ اقدامات مشترکی به‌ویژه تصویب نقشه راه قطع ورود آلودگی به رودخانه ارس را به مرحله اجرا درآورده و درصدد حل مشکلات زیست‌محیطی معادن ارمنستان برآمدند.

در حوزه ژئوپلیتیک زیست‌محیطی ایران با کشور گرجستان می‌توان گفت که یکی از مشکلات زیست‌محیطی که از جانب گرجستان می‌تواند متوجه ایران شود، مربوط به آلودگی رود کورا به‌عنوان بزرگ‌ترین رود سرزمین‌های قفقاز است که از ترکیه سرچشمه گرفته و با عبور از خاک گرجستان و آذربایجان به دریای کاسپین می‌ریزد. رودخانه کورا و رودخانه ولگا در روسیه یکی از منابع عمده آلودگی دریای خزر به شمار می‌روند. رودخانه کورا فاضلاب‌های شهری و واحدهای صنعتی شهرهای تفلیس و روستاهای گرجستان که در امتداد این رودخانه واقع هستند و نیز مواد سمی مختلف به‌کار گرفته شده در بخش کشاورزی کشورهای قفقاز جنوبی را با خود به دریای خزر می‌آورد. درنتیجه، آلوده شدن دریای کاسپین سبب وارد ساختن هزینه‌های گزاف برای کشورهای حاشیه کاسپین شده و باید چاره‌اندیشی کرد. ازاین‌رو، اقدام مؤثری در حل این معضلات زیستی توسط دولت‌ها صورت نگرفته است.

علاوه بر این، همکاری‌هایی درخصوص انتقال آب از گرجستان به ایران در راستای حل بخشی از مشکلات آبی ایران و احیای دریاچه ارومیه صورت گرفت.

همچنین، مشکل مهمی که درخصوص رود ارس به‌عنوان حوزه ژئوپلیتیکی ایران در قفقاز جنوبی وجود دارد، مسئله سدسازی‌های ترکیه است که با آغاز آب‌گیری این سدها، بی‌تردید کشورهایی که در مسیر رود ارس قرار دارند، درگیر تبعات منفی آن می‌شوند. سد آراپاچای و سد کاراکورت از سدهایی هستند که ترکیه روی ارس ساخته است. چنین سدسازی‌هایی سبب کاهش دبی این رودخانه در پایین‌دست شده و درنتیجه میزان تولید برق مشترک میان ایران و جمهوری آذربایجان را با اشکال مواجه می‌کند. همچنین این اقدامات باعث آسیب رساندن به اقتصاد کشاورزی کشورهای دو طرف ارس می‌شود (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۹).

بدین ترتیب، در حوزه ژئوپلیتیک زیست‌محیطی ایران در قفقاز، اصلی‌ترین آلوده‌کننده رود ارس، ترکیه و ارمنستان می‌باشند که تاکنون به درخواست ملاقات ایران درخصوص اقدامات کنترلی، کاهش یا جلوگیری از ورود آلاینده‌های صنعتی، فلزات و ترکیبات پرتوزا به داخل رود ارس پاسخ مثبتی ندادند. از طرفی، به دلیل نبود ساختاری قانونی در مجامع بین‌المللی که کشورهای حوضه آبریز رود ارس را شامل شود و همچنین نبود طرحی جامع در حوزه اجرا و نظارت، زمینه برای بحران‌زایی در این حوضه مشترک مهیا است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در عرصه سامانه جهانی رخ داده است، تحول در فرایندهای سیستمی و شبکه‌ای شدن سامانه است. نگرش شبکه‌ای بر محور ارتباطات و روابط متقابل میان واحدها، می‌تواند نگرشی نوین برای مطالعات منطقه‌ای ارائه دهد. پدیده‌هایی مانند انقلاب اسلامی ایران سبب تغییر الگوی نظم سلسله‌مراتبی به الگوی نظم پراکنشی-شاخه‌ای شده‌اند. الگوی نظم پراکنشی را می‌توان از گونه انطباقی دانست. به این معنا که رفتار خود را در واکنش به محیط جهت نیل به یک هدف یا اهداف تغییر می‌دهد. دو ویژگی مهم



منطقه‌گرایی در شرایط فشارهای سیستمی، انطباق‌گرایی و شبکه‌ای شدن است.

در باب مؤلفه‌های نظم منطقه‌ای در شبکه جهانی می‌توان گفت که شبکه جهانی در چهارچوب نظریه شبکه‌ای، انواع گوناگونی از شبکه‌های منطقه‌ای را ایجاد می‌کند. مهم‌ترین گونه‌بندی از شبکه‌های منطقه‌ای از بُعد موضوعی می‌تواند شامل شبکه منطقه‌ای ژئوپلیتیکی، شبکه منطقه‌ای ژئوکالچری و شبکه منطقه‌ای ژئواکونومیکی می‌شود. ج.ا. ایران در چهارچوب نظریه شبکه‌ای، از یک‌سو، خود بخشی از شبکه منطقه‌ای غرب آسیا محسوب می‌شود و از سویی دیگر، می‌بایست در راستای کسب و ارتقای قدرت، اقدام به شبکه‌سازی کند. ازجمله مناطقی که بخشی از شبکه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، خرده شبکه قفقاز است که در این مقاله، به مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی ایران در خرده شبکه قفقاز پرداخته شد.

مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی را می‌توان مؤلفه‌هایی دانست که در راستای نظم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز در چهارچوب جغرافیا، قدرت و سیاست بر راهبرد دفاعی ایران در مواجهه با تهدیدات مختلف مؤثر می‌باشند. ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌های نظم ژئوپلیتیکی ایران در این خرده شبکه عبارت‌اند از: ژئوپلیتیک نظامی، ژئوپلیتیک انسانی، ژئوپلیتیک اقتصادی و ژئوپلیتیک زیست‌محیطی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

نظم ژئوپلیتیک نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز را می‌توان ذیل مؤلفه‌های زیر دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: ۱. منابع انسانی و قدرت نظامی در نیروهای مسلح ایران در خرده شبکه قفقاز؛ ۲. تسلیحات و صنایع دفاعی و نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز؛ ۳. معاهدات راهبردی دفاعی-امنیتی با واحدهای خرده شبکه قفقاز. نظم ژئوپلیتیک نظامی ایران در خرده شبکه قفقاز می‌تواند از طرق مختلف محقق شود که عبارت‌اند از: همکاری‌های دوجانبه ایران با کشورهای این خرده شبکه، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی در قالب اعزام نیروهای حافظ صلح به مناطق مورد مناقشه در قفقاز مانند قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی، تقویت توان نظامی خود از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی خود در مرزهای شمالی کشور و حتی در کشورهای قفقاز جنوبی و همچنین، ارتقای تجهیزات نظامی و افزایش تعداد و کیفیت

نیروهای نظامی مستقر در این منطقه، به‌کارگیری دیپلماسی فعال در چهارچوب گفتگوهای دیپلماتیک در حوزه نظامی-امنیتی و ارائه پیشنهاد ایجاد سازوکارهای امنیتی منطقه‌ای مشترک است.

ژئوپلیتیک انسانی یکی از متغیرهای مهم در چرخه منطقه‌ای و جهانی قدرت است. از منظر ژئوپلیتیک انسانی، خرده شبکه قفقاز دارای ویژگی‌های زیر است: ۱. گوناگونی جمعیت و تنوع قومیتی در قفقاز و وجود سازه بلوکی و چندپیکری؛ ۲. گرایش شدید ترکیب دینامیک‌های انسانی و دینامیک قدرت که سبب شکل‌دهی به ستیزش‌های مختلف مانند ستیزش‌های نیابتی می‌شود؛ ۳. ترکیب دینامیک‌های انسانی با سازه‌های کنترل خرده شبکه قفقاز که به‌دلیل بلوکی و چندپیکری بودن خرده شبکه، سبب شکل‌گیری کنترل‌های نیابتی در این حوزه شده است؛ ۴. ترکیب دینامیک‌های انسانی با دینامیک اقتصادی در خرده شبکه منطقه‌ای قفقاز، زمینه رشد چرخه قدرت در بعضی از بلوک‌ها مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اکو، پیمان شانگهای و ... شد.

در باب نظم ژئوپلیتیک اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در خرده شبکه قفقاز که ذیل شبکه منطقه‌ای غرب آسیا تعریف می‌شود، مبتنی بر مؤلفه‌هایی مانند حوزه نظامی، سیاست‌های تجاری، روابط سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی شکل گرفته است. درخصوص ژئوپلیتیک زیست‌محیطی ایران در منطقه قفقاز می‌توان گفت که مؤلفه‌های آن شامل مدیریت منابع آب، حفاظت از منابع طبیعی و جنگل‌ها، مقابله با تغییرات اقلیمی، آلودگی محیط‌زیست و مدیریت پسماند، حفاظت از تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها و مدیریت منابع انرژی و استخراج معادن می‌شود.

بدین‌ترتیب، ایران در خرده‌شبکه قفقاز، از الگوی منطقه‌گرایی شبکه‌ای-انطباقی برای رسیدن به منافع ملی خود پیروی می‌کند. درواقع، این توانایی ایجاد نظم سلسله‌مراتبی را در این منطقه ندارد و لازم است مبتنی بر نظم پانارشی و هیتارشی، کانونیت خود را شکل دهد. ایران با استفاده از پویش‌ها و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی که در پژوهش حاضر به‌تفصیل بیان شد، به لحاظ پارامترهای کانونیت مانند میانگی ایران در قفقاز، نزدیکی ایران به سایر گره‌ها یا



واحدها در این خرده شبکه و همچنین حجم و چگالی ارتباطات میان ایران در این منطقه قابل بررسی است.

در بررسی میانگی ایران در خرده شبکه قفقاز می‌توان گفت که ایران مبتنی بر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی خود در موضوعات مربوط به موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیک نظامی و انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی، علی‌رغم وجود محدودیت‌هایی از سوی رقبای منطقه‌ای خود مانند روسیه و ترکیه، دارای میانگی در این خرده شبکه بوده به‌طوری‌که توانمندی ایفای نقش واسطه‌گری و تأثیرگذاری را در این منطقه داراست. برای نمونه، با توجه به این‌که ایران به دنبال ثبات در این منطقه است، همواره با میانجی‌گری در جنگ‌های قره‌باغ درصدد تحقق این هدف بوده که تا حد قابل قبولی، میانجی‌گری موفقیت‌آمیزی نیز داشته است. به‌علاوه، منافع ایران در عدم تسلط کامل یک قدرت خارجی بر منطقه است، فلذا در این راستا، ایران سعی کرده است با تعامل با روسیه و ترکیه و حفظ تعادل میان نفوذ آن‌ها در این منطقه، به این مهم دست یابد. این تأثیرات گواهی بر میانگی ایران را در حوزه ژئوپلیتیکی خرده شبکه قفقاز است.

در بررسی مرکزیت مبتنی بر نزدیکی ایران به سایر گره‌ها یا بازیگران این خرده شبکه، می‌توان توضیح داد که ایران به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی و ژئوپلیتیک انسانی خود با دولت‌های قفقازی، در این پارامتر توانسته است نزدیکی بالایی با این منطقه به‌ویژه ارمنستان داشته باشد. به لحاظ ژئوپلیتیک اقتصادی بسترسازی‌های مناسبی شده است و لازم است جهت تقویت و گسترش آن اقدامات جدی‌تری صورت گیرد. سومین پارامتر کانونیت، مربوط به چگالی ایران در این حوزه است که چگالی ارتباطات ایران در قفقاز ذیل مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، دارای شدت و ضعف است. برای نمونه، از منظر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، ایران و ارمنستان روابط قوی‌تری نسبت به آذربایجان و گرجستان دارند. کم‌تر بودن چگالی روابط ایران با گرجستان به‌دلیل وابسته بودن بیشتر این واحد به ترکیه و اتحادیه اروپا است. همچنین حجم روابط ایران با آذربایجان نیز به‌دلیل روابط این کشور با رژیم صهیونیستی و تنش‌های قومیتی موجود، علی‌رغم حفظ روابط، کم‌رنگ است. این درحالی است که ترکیه به‌عنوان رقیب منطقه‌ای

ایران توانسته است با بهره‌گیری همه‌جانبه از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی خود در این منطقه کانونیت خود را به مقدار زیادی تقویت کند.

درمجموع، ایران توانسته است بسترسازی‌هایی جهت تقویت کانونیت خود در این خرده شبکه انجام دهد اما هنوز نتوانسته است از ظرفیت‌های فراوان خود در جهت کسب منافع خود بهره گیرد. فلذا، جمهوری اسلامی ایران لازم است در راستای دستیابی به نظم مطلوب ژئوپلیتیکی خود در خرده شبکه قفقاز به چهار مؤلفه که در متن مقاله بدان اشاره شده است، توجه ویژه داشته باشد.

۶-۱. پیشنهادهای پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، برخی از توصیه‌ها و پیشنهادات جهت تقویت نظم منطقه‌ای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی در خرده شبکه قفقاز عبارت‌اند از:

- ✓ برگزاری رزمایش مشترک با سه کشور قفقاز؛
- ✓ فعال کردن دیپلماسی نظامی با کشورهای قفقاز؛
- ✓ انعقاد قرارداد در حوزه ساخت تسلیحات دفاعی و پهپاد با کشورهای قفقاز؛
- ✓ توسعه روابط در حوزه‌های مختلف با ارمنستان در راستای دور زدن تحریم‌ها علیه ایران؛
- ✓ توسعه همکاری‌های زیست‌محیطی ایران و کشورهای قفقاز به‌ویژه در حوضه ارس و دریای کاسپین.



فهرست منابع

- احمدی، سید عباس؛ حیدری، طهمورث؛ نیکزاد، روح‌الله (۱۳۹۲). «جنبه‌های بین‌المللی ژئوپلیتیک زیست‌محیطی»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۳.
- جعفری‌نیا، عباس؛ اخباری، محمد؛ مرادیان، محسن (۱۳۹۸). «تحلیل شاخص‌های قدرت نظامی واحدهای سیاسی-جغرافیایی در عرصه نظام بین‌الملل»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، نشریه تحقیقاتی جغرافیایی، دوره ۱۵، شماره ۳-۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رشید، غلامعلی؛ پرهیزکار، اکبر؛ افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). «الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳.
- دهشیری، محمدرضا؛ حکمت‌آرا، حامد (۱۳۹۷). «دیپلماسی آب در قبال همسایگان»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره شش، شماره ۴.
- زین‌العابدین، یوسف؛ پاک‌نژاد متکی (۱۳۸۶). «مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک زیست‌محیطی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره نهم، شماره ۲.
- سرودی، مسعود (۱۳۹۶). «چالش‌های مأموریت‌های حفظ صلح ارتش جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ساختار و نیروی انسانی»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال ۱۳، شماره ۴۲.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲). «نظریه‌های روابط بین‌الملل (بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی)». تهران: نشر میزان.
- قاسمی، فرهاد (۱۴۰۱). «نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای». تهران: نشر میزان.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴). «امنیت در قفقاز جنوبی». تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- کریمی، مرتضی؛ مجاور شیخان، محمد؛ آقاجری، محمدجواد؛ کمال‌آرا، سید محمد (۱۴۰۲). «چالش هیدروپلیتیک ایران با ترکیه و کشورهای منطقه قفقاز (آذربایجان و ارمنستان) در ارس: منازعه یا همکاری»، فصلنامه دانش‌نامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱.
- کلانتری، فتح‌الله؛ یداللهی، رضا؛ سعادت‌راد، علیرضا (۱۳۹۹). «نقش عوامل ژئوپلیتیکی نظامی بر

- محمودزاده، ابراهیم؛ قاضی، حسن؛ قوچانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). «نقش و جایگاه توسعه فناوری در بعد نظامی قدرت ملی»، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۶۷.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷)، «تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۴، شماره ۲.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰). «ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی: رهیافت‌ها و فرایندها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول.
- مورگنتا، هانس، تامپسون، کنت (۱۳۷۹). «سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح»، مترجم: حمیرا مشیرزاده. تهران: اداره نشر وزارت خارجه.
- نقدی، جعفر (۱۴۰۳). «تحلیل لایه‌ای چالش‌های دستیابی جمهوری اسلامی ایران به نظم مطلوب در غرب آسیا»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- نقدی، جعفر (۱۴۰۱). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر دستیابی ج.ا.ایران به نظم منطقه‌ای مطلوب (غرب آسیا) در حوزه دفاعی-امنیتی»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴۹.
- ایسنا (۱۴۰۲). «موضع ایران درباره ایجاد کریدور زنگزور و عبور از خاک کشورمان»، در دسترس: isna.ir/xdPG5h
- ایسنا (۱۴۰۰). «ناگفته‌هایی درباره نظامیان کلاه آبی ایران»، در دسترس: isna.ir/xdJk2S
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۴۰۳). «دیپلماسی آبی تهران و باکو: الگویی موفق در خاورمیانه»، در دسترس: <https://dolat.ir/detail/448805>
- تحریریه (۱۴۰۱). «ورود موشک‌های ایرانی به ارمنستان و آینده ژئوپلیتیک منطقه»، در دسترس: www.tahririeh.com/news/23153
- تسنیم (۱۴۰۱). «عبور نیروهای سپاه از ارس جلوی چشم آذربایجان/ گزارش تسنیم از هماهنگی میدان و دیپلماسی در رزمایش نرسا»، در دسترس: <https://tn.ai/2791820>
- دنیای اقتصاد (۱۴۰۳). «رزمایش مشترک ایران با این کشور/هدف از برگزاری چه بود؟»، در دسترس: <https://donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-4077828>
- میزان (۱۴۰۲). «ایران و جمهوری آذربایجان سند همکاری‌های نظامی و دفاعی امضا کردند»، در دسترس: <https://www.mizanonline.ir/00JrUp>



References

- Aemen News (2024). "Compared to 2020, Armenia's defense spending in 2024 is to increase by 81%- Ministry of Finance". Available: <https://armenpress.am/eng/news/1128611.html>
- Caspian News (2023). "Azerbaijan Army Ranked as Strongest in South Caucasus". Available: <https://caspiannews.com/news-detail/azerbaijan-army-ranked-as-strongest-in-south-caucasus-2023-1-9-0/>
- Caspian News (2022). "Azerbaijan Increases Defense & Security Budget for 2023". Available: <https://caspiannews.com/news-detail/azerbaijan-increases-defense-security-budget-for-2023-2022-10-26-0/>
- Common space (2020). "Document: Full text of the agreement between the leaders of Russia, Armenia and Azerbaijan". Available: <https://www.commonspace.eu/news/document-full-text-agreement-between-leaders-russia-armenia-and-azerbaijan>
- Dalby, Simon (2014). "Environmental Geopolitics in the Twenty-first Century". Alternatives: Global, Local, Political, Vol. 39(1), pp. 3-16.
- De Wall, Thomas (2023). "The End of Nagorno-Karabakh", Foreign Affairs. Available: <https://www.foreignaffairs.com/armenia/end-nagorno-karabakh>
- Dodds, Klaus (2007). Geopolitics: A Very Short Introduction. Oxford University Press.
- Elatskov, A.B. (2019). "Generalized Types of Geopolitical Models". Geography and Natural Resources, Vol. 40, No. 3, pp. 215-220.
- Flint, Colin, Taylor, Peter J. (2011), "Political Geography: World-economy, Nation-state and Locality", Routledge, 6th Editions.
- Global fire power (2024). "2024 Azerbaijan Military Strength". Available: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=azerbaijan
- Global fire power (2024). "2024 Armenia Military Strength". Available: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=armenia
- Hafner-Burton, Emilie M., Kahler, Miles, Montgomery, Alexander H. (2009). "Network Analysis for International Relations". International Organization, Cambridge University Press, Vol. 63 (3), pp 559-592.
- Hafner-Burton, Emilie M., Montgomery, Alexander H. (2009). "Centrality in Politics: How Networks Confer Power". Conference Proceedings at OpenSIUC, Available: https://opensiuc.lib.siu.edu/pnconfs_2010/9/
- Kavalski, Emilian (2007). "The Fifth Debate and the Emergence of Complex International Relations Theory. Notes on the Application of Complexity Theory to the Study of International Life", Cambridge Review of International Affairs, 20(3).
- Kouhi esfahani, Marzieh (2019). "Iran's Foreign Policy in the South Caucasus: Relations with Azerbaijan and Armenia". Routledge.

- O'Lear, Shannon (2020). "A Research Agenda for Environmental Geopolitics". Edward Elgar Publishing.
- Roller, Duane (2014). "The Geography of Strabo: An English Translation, with Introduction and Notes". Cambridge University Press.
- Shaffer, Brenda (2003). "Iran's Role in the South Caucasus and Caspian Region: Diverging Views of the U.S. and Europe, In Iran and Its Neighbors: Diverging Views on a Strategic Region", SWP Berlin.
- Statista (2023). "Military spending of Armenia and Azerbaijan from 2007 to 2022". Available: <https://www.statista.com/statistics/1416025/military-expenditure-armenia-azerbaijan/>
- Thee, Marek (1977). "Militarism and militarisation in contemporary international relations". Bulletin of Peace Proposals, 8(4), pp. 296–309.
- Trading Economic (2022). "Georgia Military Expenditure". Available: <https://tradingeconomics.com/georgia/military-expenditure>
- Ubilava, Mariam (2003). "Water Managment in South Caucasus". water Resources in the South Europe and Central Asia Region.
- Woodward, Rachel (2004). "Military Geographies". Blackwell publishing.
- Woodward, Rachel (2017). "Military Geography". John Wiley & Sons, Ltd.
- Гаджиев, К (2010). "Этнонациональная и геополитическая идентичность Кавказа". Мировая экономика и международные отношения, № 2, с. 64-74.
- Федоровская, И (2022). "Иран и новая геополитическая ситуация на Южном Кавказе". Россия и новые государства Евразии. 2022. № I (LIV). С. 102-110, Available: <https://doi.org/10.20542/2073-4786-2022-1-102-110>